

## سرمایه اقتصادی و جنسیت در خانواده:

### مطالعه‌ای بر کنترل منابع مالی در خانواده‌های شهر تهران

سهیلا علیرضائزاد\*

سحر خاکپور\*\*

سروش فتاحی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۶



#### چکیده

پرسش آغازین این پژوهش عبارت است از: منابع مالی در دسترس زنان در خانواده کدام است؟ و آنان تا چه حد درباره آن تصمیم می‌گیرند؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، از ترکیب نظریه‌های پی‌یر بوردیو، آنتونی گیدنز، سرمایه جنسی و نابرابری جنسیتی استفاده شد. برای انجام این پژوهش از روش ترکیبی - روش کمی و کیفی - استفاده شد. در بخش کیفی ابزار گردآوری

---

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

soal802001@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

\*\*\* استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

اطلاعات، مصاحبه سیر زندگی بود و در بخش کمی نیز از پرسشنامه استفاده شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که زنان به چهار نوع منبع مالی شامل خرج خانه، پول توجیبی، حقوق ماهیانه و ارثیه دسترسی دارند. دستمزد تنها درآمدی است که ناشی از نقش‌های سنتی زنان نیست. تصمیمات بزرگ اقتصادی در خانه برعهده مردان است. به نظر می‌رسد با افزایش دسترسی زنان به منابع مالی، لزوماً کنترل آنان بر این منابع افزایش نمی‌یابد. با افزایش کنترل زنان بر منابع مالی، تصمیم‌گیرهای مشترک در باره مسائل عمده مالی بین زن و مرد افزایش می‌یابد.

**واژه‌های کلیدی:** منابع مالی خانواده، کنترل منابع مالی، زن ایرانی

## بیان مسئله

خانواده نهادی اجتماعی و بسیار موثر بر فرآیند اجتماعی شدن افراد است. از مهم‌ترین عوامل بقای خانواده، منبع درآمد آن است. درآمد برای افزایش رفاه جمعی اعضاء وارد خانواده می‌شود و این‌گونه فرض می‌شود که بین تمام اعضای خانواده به طور یکسان تقسیم می‌شود (Zelizer, 1989: 353). اما تصمیم‌گیری در باره نحوه صرف درآمد به طور یکسان بر عهده تمام اعضای خانواده نیست.

دانستن این که منبع قدرت مالی خانواده در دست چه کسی است و تصمیم‌گیری در مورد این منبع با کدام یک از اعضای خانواده است، در فهم روابط بین اعضای خانواده و دلایل شکست و فروپاشی آن بسیار مهم است زیرا این ویژگی می‌تواند باعث شود که بعضی از اعضای خانواده ثروتمندتر از دیگر اعضا باشند. اگر فردی منابع و امکاناتی در اختیار دارد که فرد دیگر، برای رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته‌ها، تمایلات و علاقمندی‌هایش بدان نیازمند است، فردی که دسترسی کمتری به این منابع دارد، ناگزیر باید به طرق گوناگون برای دستیابی به این منابع تلاش کند. بدین ترتیب تمایل به کنترل منابع اقتصادی می‌تواند چالش‌های بسیاری را در خانواده به وجود آورد

و این در حالی است که ما در باره آن اطلاعات اندکی داریم. برای فهم نحوه شکل گیری تعادل اقتصادی در خانواده، این پرسش مطرح می‌شود که منابع مالی در خانواده معمولاً در اختیار کیست؟ زنان تا چه حد منابع مالی خانواده را در اختیار دارند؟ و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در خانواده با چه کسی است؟

درباره ضرورت پژوهش توجه به این نکته لازم است که دسترسی نابرابر اعضای خانواده به منابع اقتصادی و تفاوت چشمگیر میزان ثروت آنان نوعی عدم تعادل را در خانواده ایجاد می‌کند که احتمالاً می‌تواند به افزایش تنش، خشونت و طلاق در این خانواده منجر شود. حاشیه‌ای شدن زنان در جامعه و عدم استفاده مناسب آن‌ها از امکانات و فرصت‌ها نسبت به مردان، اهمیت پژوهش در این زمینه را به خوبی روشن می‌سازد. هدف از این پژوهش فهم میزان و چگونگی دسترسی زن و شوهر به منابع اقتصادی خانواده است.

### پیشینه پژوهش

در ایران مطالعات زیادی در باره خانواده، خشونت و زنان انجام شده اما مطالعات بسیار اندکی در زمینه کنش‌های اقتصادی به طور کل و کنش اقتصادی زنان انجام شده است. یکی از کسانی که در مقالات خود به بحث جنسیت و پول پرداخته، ویویان زلیزر است. پرسش اصلی او این بود که آیا زن باید مقرری منظمی (پول خانگی) بابت خانه‌داری دریافت کند؟ و زنان آمریکایی در مورد پول چه فکر می‌کنند؟ یافته‌ها حاکی از آن است که ۸۸ درصد زنان به سؤال اول جواب مثبت دادند، اما بیش از ۹۰ درصد مردان با پول خانگی مخالف بودند. زلیزر در نتیجه گیری این تحقیق اذعان می‌دارد که پول خانگی یک نوع خیلی خاص از پول است که توسط شوهر در اختیار زن گذارده می‌شود، اما از همان جنس پول شوهر نیست.

علیرضائزاد و حایری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "پول، جنسیت، توسعه" در پی آن بوده‌اند تا تاثیر پول بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی زنان در اجتماعات کوچک محلی (زنان رامه) را بسنجند. مهم‌ترین یافته این پژوهش به مفهوم پول برای این زنان اختصاص داشت.

ساروخانیوپناهی (۱۳۸۵) درباره ساخت‌قدرت‌پرسش‌هایی را مطرح کردند. از جمله سئوالات اساسی این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره نمود، ۱- آیا قدرت منبع جسمانی دارد یا آن که پدیده‌ای عاطفی و اجتماعی است؟ ۲- در جامعه امروز ایران کدام متغیر بر هرم قدرت در خانواده تاثیر بیش‌تری دارد؟ ۳- با ارتقای جایگاه زن از انقیاد تا شراکت، الگوی اساسی تصمیم‌گیری در خانواده چیست؟ محققان به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر جایگاه زن در هرم قدرت خانواده آموزش از یکسو و اشتغال زنان از سوی دیگر است.

پژوهش دیگری (۱۳۸۳) با عنوان "بررسی عوامل موثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده" توسط علی امامی‌نصیر محله صورت گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش این بود که چه عواملی بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده تاثیر دارد؟ نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از معنادار بودن رابطه میان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به قالب‌های جنسیتی، تعداد فرزندان، و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده است.

## مبانی نظری

در سراسر تاریخ مدون بشری، وظیفه اصلی زنان عبارت بود از بارداری در سال‌های جوانی، پرستاری از نوزادان و مراقبت از آن‌ها هنگام بیماری، انجام تکالیف خانگی، نگهداری از باغ و باغچه و همچنین مشارکت در کار بوستان و کشتزار (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۲۵). به زعم گیدنز این تکنولوژی بود که با آزاد کردن وقت زنان، تمایل و فرصت کار

در عرصه‌های گوناگون اجتماعی را برای آنان فراهم کرد (همان: ۲۰۰). بدین ترتیب نیاز به پول و منابع مالی در خانواده، موجب شد که خانواده دیگر به شیوه سنتی گذشته قادر به تولید مایحتاج خود نبوده و زن و مرد هر دو بیرون از خانه کار کنند (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۲).

به طور معمول زنان از نظر اقتصادی به شوهران خود وابسته هستند، اما در جامعه امروزی در بیشتر خانواده‌ها درآمد زن برای حفظ خانواده ضروری به نظر می‌رسد. بسیاری از مطالعات میان فرهنگی حاکی از آن است که عواید زنان تقریباً به طور اختصاصی در تامین نیازهای جمعی خانواده به ویژه آموزش و تغذیه کودکان هزینه می‌شود. مثلاً در تحقیقی که در هندوستان انجام گرفته، نشان داده شده که افزایش دستمزد زنان در بهبود تغذیه کودکان موثر بوده است (بهرامی تاش، ۱۳۸۹: ۷۲). در نبود مردان ممکن است زنان از کارکنان بدون مزد خانگی به مدیران خانواده تغییر نقش دهند (علیرضائزاد، ۱۳۹۰: ۱۹۶). به باور گیدنز مردان اکثراً تصمیم می‌گیرند که امور مالی خانواده چگونه سازمان داده شود و زنان معمولاً مسئولیت تصمیماتی را به تنهایی عهده‌دار بودند که زن و شوهر هر دو آن‌ها را کم اهمیت و جزئی می‌پنداشتند، مانند انتخاب تزیینات داخلی منزل (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۳۷).

### خانواده، منابع مالی، توزیع و موازنه قدرت

نظریه‌های زیست‌شناختی قدیمی‌ترین نظریه‌های قدرت هستند که عمدتاً بر دخالت سازوکارهای فیزیولوژیکی از جمله هورمون‌ها در سلطه‌گرایی مردان و سلطه‌پذیری زنان، تاکید می‌کنند (رضابخش، ۱۳۸۴: ۱۸). قدرت بدنی مردان در این دیدگاه یکی از مهمترین نشانه‌های قدرت است. به اعتقاد فردریش انگلس در خانوار اشتراکی آغاز تاریخ بشر که زوج‌های متعدد و فرزندان آنان را در برمی‌گرفت، اداره امور خانه بر عهده زنان بود، ولی به دلیل آنکه کار زنان برای بقای قبیله جنبه حیاتی داشت زنان از

پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند. اما اهلی‌سازی حیوانات و توسعه گله‌داری به پیدایش منبع ثروت جدیدی برای اجتماع بشری منجر شد و چون کنترل حیوانات قبیله در دست مردان بود، سبب انباشت ثروت در دست مردان شد و قدرت نسبی آنان در مقایسه با زنان افزایش یافت. در مقابل، ارزش کار و تولید زنان به کاستی گرایید و پایگاه اجتماعی آنان تنزل یافت. در جوامع کشاورزی، قدرت زنان کمتر بود؛ زیرا در این جوامع، نظام وراثت زمین را از پدر به فرزند پسر منتقل می‌کند و در نتیجه، زنان نوعاً مالک زمین نبوده‌اند. یافته‌های مردم‌شناسی نیز از آن حکایت دارد که با افزایش مشارکت اقتصادی زنان، به ویژه در شرایطی که مردان به فعالیت‌های زنان وابسته باشند، قدرت آنان افزایش می‌یابد و حتی گاهی با قدرت مردان برابری می‌کند؛ مثلاً گفته می‌شود که در برخی قبایل آفریقایی که زنان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد از خوراک قبیله را تامین می‌کردند، قدرت تصمیم‌گیری آنان درباره امور قبیله در حد قدرت مردان بوده است (رضابخش، ۱۳۸۴: ۲۰).

از نظر مارکس خاستگاه اصلی تمامی‌صور قدرت در توانایی‌های بالقوه انسان است که در روند تاریخ به فعالیت در می‌آیند. مارکس در بحث از توانایی‌های بشر دو مفهوم قدرت و نیاز را مطرح می‌سازد؛ و قدرت به منزله استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های مردم تعریف می‌شود. نیاز مانند قدرت شدیداً تحت تاثیر محیط اجتماعی قرار دارد. قدرت از نظر مارکس خصیصه‌ای است که به صورت بالقوه در تمامی افراد وجود دارد اما تحقق یافتن آن موقوف به شرایط اجتماعی و تاریخی است.

از نظر مارکس و انگلس تمایز یافتن نقش‌های وابسته به جنس و به تبع آن قطبی شدن قدرت در خانواده به مرکزیت فرد، در حقیقت بازتاب دیگری از تحول مالکیت خصوصی است. در این روند زنان نیز هم‌چون کالاهایی که می‌توانند سوژه مالکیت باشند، محسوب می‌شوند. یعنی منبع قدرت مرد و سلطه او بر زن از قدرت اقتصادی در طبقات اجتماعی گوناگون مردان نشات می‌گیرد بر اساس دیدگاه نظری مارکس می‌توان نتیجه گرفت که عامل اقتصادی منبع قدرت خانواده است؛ یعنی وابسته بودن امرار

معاش خانواده به مرد / زن و این که اهرم اقتصادی در دست کدام یک از زوجین باشد بر میزان قدرت آنها در خانواده موثر است (همان).

بلود و ولف معتقدند که تصمیمات زن و شوهر در امور زندگی، نتیجه مستقیم سهم هر یک - نه به صورت آگاهانه - در منابع است که این منابع احساس مدیون و مقروض بودن را ایجاد می کند، درآمد شوهر یک معرف بسیار مهم در این زمینه است. در مقابل، در خانواده ای که درآمد زن مورد توجه است، توازن قدرت در مسیر زن تغییر کرده است، بنابر این درآمد بالای شوهران در صورت عدم نقش زنان در کسب درآمد، بیشترین قدرت را برای مردان به همراه می آورد (سفیری، آراسته، ۱۳۸۶: ۳).

جامعه شناسانی که تقسیم کار بین زن و شوهر را می پذیرند، معتقدند که نقش اقتصادی شوهر، زن را وابسته می کند و در این شرایط شکست در ازدواج برای زن شوم و بدفرجام است. زنی که درآمدی ندارد، تسلیم می شود، حتی اگر در ازدواج خوشبخت نباشد. برعکس زنی که شاغل است، اجباری در تحمل ازدواج ناموفق نمی بیند. وابستگی اقتصادی در ارتباط متقابل زن و شوهر، موقعیتی تابع و پست را برای زن به وجود می آورد (سفیری، آراسته، ۱۳۸۶: ۳). ایده اصلی در این دیدگاه آن است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای فرد دیگر، برای رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته ها، تمایلات و علاقه های ضروری است. علاوه بر آن فردی که منابع و امکانات ارزشمند را در اختیار دارد ممکن است مهم ترین منبع جایگزین موجود بر سایر منابع را داشته باشد (همان، ۵).

گیدنز معتقد است که مؤلفه های خانواده های امروزی، یعنی «نزدیکی و صمیمیت، عواطف و جنسیت»، در حال تحول اند؛ این دگرگونی ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده اند و به مرور در حال جهانی شدن هستند. این جهانی شدن، از منظر گیدنز تا حد زیادی مقاومت ناپذیر و مثبت است؛ اما با خود مشکلات عمیقی نیز به همراه می آورد. گیدنز به چند نمونه از این تحولات اشاره می کند، اول این که امروزه در کشورهای غربی، و به طور فزاینده ای در کشورهای دیگر جهان، خانواده در وهله اول،

دیگر یک واحد اقتصادی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیشتر بر اساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل گرفته است (جلایی پور، ۱۳۸۸: ۲). دومین گرگونی این است که پیش از این پیوند میان زن و مرد، بویژه در ازدواج سنتی بیش‌تر بر اساس نقش‌های از پیش تعیین شده بود. گیدنز براین باور است که در طول حدود یک نسل، تمام این‌ها تغییر کرده و نقش زن و مرد، آن‌چنان‌که در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نمانده است (همان). سومین دگرگونی، به موقعیت در حال تغییر زنان و یکسان شدن قدرت آن‌ها با مردان مربوط می‌شود. این دگرگونی، ساختاری است و ابعادی جهانی دارد (جلایی پور، همان: ۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۲۱). مهدوی براین باور است که "تحصیلات و بالا رفتن آگاهی زن، سبب برابری الگوی قدرت در خانواده می‌شود" (۱۳۸۲: ۶۶). با توجه به این تغییرات ساخت توزیع قدرت در خانواده دگرگون شده و در کنش متقابل بین زن و شوهر تغییر ایجاد شده است. بنابراین چگونگی توزیع منابع در دسترس خانواده، بین اعضای آن، سهم بری مساوی از منابع و تقسیم برابر منابع خانواده میان اعضای آن بسیار مهم است؛ زیرا اگر یکی از اعضای خانواده قسمت بیش‌تری از درآمد خانواده را به‌خود اختصاص دهد، سهم کم‌تری برای دیگری می‌ماند (Zelizer, 2008: 348).

دسترسی به منابع مالی مستقیماً با قدرت مرتبط است. گیدنز قدرت را بر اساس کردارهای فرد تعریف می‌کند. گسترده‌ترین تعریف گیدنز از قدرت، توانایی تبدیل وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. به زعم او قدرت، ماهیتی دوگانه دارد که از یکسو به کردارِ عاملانِ خودمختار و از سوی دیگر بر ساختارهای اجتماعی تکیه می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۶). از دید گیدنز، قدرت منبع یا غایت نیست، بلکه وسیله‌ای است که برای دستیابی به غایتی بیرونی مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان).

درباره مسئله ساخت قدرت در خانواده، بلود وولف تئوری منابع را ارائه دادند. هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد، بیشتر باشد از قدرت بیش‌تری نیز برخوردار است، تئوری منابع به طور کلی بر پایه این فرض قرار دارد که در روابط زن و شوهر،



توازن قدرت در تصمیم‌گیری به طرف فردی است که بزرگ‌ترین یا به عبارتی با اهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد (سفیری، آراسته، ۱۳۸۷: ۳). اگر چه منابع غیراقتصادی نظیر مشارکت، حمایت عاطفی و مهارت‌های اجتماعی برای زنان مزایایی دارد، اما در دنیای امروز اهمیت بیش‌تری به پول، پایگاه و جایگاه شغلی می‌دهند. ریتزر، بلود و ولف براین باورند که عناصر به تازگی گفته شده قدرت بیش‌تری به زنان می‌بخشند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۹۰؛ سفیری، آراسته، ۱۳۸۷: ۳).

بورديو قدرت را مساوی با مالکیت انواع سرمایه اساسی محسوب می‌کند. از نظر بورديو سرمایه اقتصادی به مثابه مهم‌ترین نوع سرمایه، در شکل حق مالکیت نهادینه می‌شود (نبوی، ۱۳۸۷: ۶). اما صرف دانستن این که کسانی بر امکانات و فرصت‌های معینی مالکیت دارند، بیان نمی‌کند که این امکانات و فرصت‌ها چقدر استفاده می‌شوند؟

به زعم بورديو گروه‌هایی که به بیش‌ترین میزان سرمایه دسترسی دارند، در «میدان قدرت» قرار می‌گیرند. "میدان فضای ساختمندی از جایگاه‌ها است. میدان، قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می‌شوند تحمیل می‌کند"<sup>۱</sup> (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۰). "توزیع سرمایه که میراث منازعات پیشین است، به یک معنا ساختار میدان است که در آن عاملان اجتماعی بنا بر استعدادهای خاص خود در انواع سرمایه‌ها می‌اندیشند و عمل می‌کنند" (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۱۳۹). پذیرش عاملان اجتماعی در میدان، یا به قول خود بورديو در بازی، بر پایه ضوابطی صورت می‌گیرد که میدان آن‌ها را به رسمیت شناخته است (مانند تملک اشکال گوناگون سرمایه که همانا شرط‌های بازی در میدان هستند) (همان، ۱۴۰). بدین ترتیب میدان عبارت است از "[بخشی از جامعه] که یک عادت‌واره خاص در آن حاکمیت دارد. مجموعه‌ای از آداب که تطبیق با آن برای هر عضو آن مجموعه ضروری است، اما این تطبیق از نوع محاسبه

۱- هر میدان دارای حدی از آزادی عمل است.

آگاهانه و طراحی هدفمند نیست، از جنس نوعی فراست است، فراستی که آنچه باید کرد و آنچه نباید کرد ضمن تجربه عملی فرا گرفته می‌شود" (بوردیو، ۱۳۸۱: ۱۶). بنابراین "نیروی محرکه اعمال و رفتار روزمره هر فرد، عادت‌واره‌های او است" (همان: ۹۶). تفاوت در عادت‌واره‌ها است که تفاوت در رفتارها و عقاید میان افراد یا گروه‌ها را شکل می‌دهد (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۷). مفهوم عادت‌واره از وحدت اسلوبی که اعمال و اموال یک عامل اجتماعی منفرد یا یک طبقه از عاملان را یکسان می‌کند؛ حکایت دارد. از اینرو عادت‌واره می‌تواند برای هر جنس متفاوت باشد. بدین ترتیب احتمالاً عادت‌واره‌های جنس قدرتمندتر بر کنش‌های اقتصادی و احتمالاً غیراقتصادی خانواده مسلط می‌شود.

### جنسیت و دسترسی به منابع اقتصادی

اگر به قشربندی جنسیتی در درون خانواده توجه کنیم، می‌توانیم با تعیین میزان سهم بری زوجین از سرمایه‌های گوناگون موقعیت آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خانواده مشخص کنیم. جامعه‌شناسان معتقدند، اگر کارها بر اساس جنسیت افراد تعریف و توزیع شوند، مردان منابعی بیش از زنان کسب می‌کنند (نبوی، ۱۳۸۷: ۲). "خانواده میدانی از سلطه و تضادهاست" (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۱۰۳). از اینرو می‌توان انتظار داشت که با وجود عضویت در یک خانواده عادت‌واره‌های زنان و مردان به دلیل تفاوت در جنسیت، شکل متفاوتی به خود بگیرد.

بوردیو در شناسایی ماهیت کنش‌های کنشگران اجتماعی به ترکیبی از سرمایه‌های متفاوت می‌پردازد؛ سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین مجموعه سرمایه‌هایی است که او برای تشخیص موقعیت هر فرد در جامعه باز می‌شناسد. او همچنین امکان تبدیل این سرمایه‌ها را به خوبی بیان کرده و تقابل‌های افراد با ترکیبی متفاوت از سرمایه‌ها را در صحنه جامعه به نمایش می‌گذارد. بنابراین تغییر ترکیب سرمایه‌های افراد می‌تواند موجب ایجاد تفاوت در سلیقه در مراحل

گوناگون زندگی شود. اما به نظر می‌رسد در بررسی ترکیب انواع گوناگون سرمایه‌ها به جنس و جنسیت توجه کافی نشده است. کاترین حکیم (۱۳۹۱) اولین جامعه‌شناسی است که به این مفهوم توجه کرده است. او از اصطلاح سرمایه جنسی<sup>۱</sup> برای پرداختن به این مهم استفاده کرده است. حکیم کاملاً به این نکته توجه دارد که اگر چه بورديو اشاره‌های اندکی در مفاهیم سرمایه نمادین و سرمایه فرهنگی به مشخصات فیزیکی فرد دارد، اما به جنس و جنسیت توجه کافی نکرده است. او براین باور است که جنس موجب می‌شود که افراد به منابع مالی گوناگونی دسترسی پیدا کنند و حتی نحوه تغییر میزان سرمایه اقتصادی یا فرهنگی در بین دو جنس متفاوت است. او به درستی نشان می‌دهد که یک زن زیبا می‌تواند با ازدواج به سطحی از سرمایه اقتصادی دست یابد که یک مرد حتی خوش تیپ هم آن امکان را به راحتی در اختیار ندارد (همان: ۱۰۵-۱۰۲). جنسیت افراد رنگ و ویژه‌ای بر دیگر سرمایه‌هایی که آنان در اختیار دارند می‌زند. زنان و مردان با ترکیب سرمایه اجتماعی اقتصادی مشابه ممکن است سرمایه فرهنگی کاملاً متفاوتی را نشان دهند که بیش از هر چیزی به جنسیت و تجربه ویژه آن‌ها از فرآیند اجتماعی شدن و نقش‌هایی که برعهده‌دارند، یا انتظار می‌رود که برعهده گیرند، مربوط است. آنان به مثابه مادران، همسران و خواهران به‌رغم برخورداری از سطوح متفاوتی از سرمایه اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی، نقش‌های مشابهی را در جامعه ایفا کرده و عادت واره‌های یکسانی را به نمایش می‌گذارند. نقش‌ها و عادت واره‌هایی که به ماهیت مشابه و یکسان زنانه آنان مربوط است. این خصوصیت فاصله اجتماعی ویژه‌ای را رقم می‌زند که بین زنان و مردانی با ترکیب سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکسان، پدید می‌آید. این فاصله موجب می‌شود که در زندگی واقعی رسیدن به عرصه مردانه برای زنان آسان نباشد (علیرضانژاد و سرایی، ۱۳۸۶؛ O'Neil & Gidengi, 2006). شاید در همین راستا باربارا رایزمن<sup>۲</sup> جنسیت را یک ساخت می‌داند،

---

1. erotic capital

2. Barbara J. Riesman

که مقیدکننده کنش بوده و نیز انتخاب‌های فرد را سامان می‌بخشد. به نظر رایزن و حکیم جنسیت از همان اهمیت و ویژگی‌های ساختی برخوردار است که ساخت‌های اقتصادی و سیاسی جامعه برخوردارند (دوبوار، ۱۳۷۹؛ Hakim, 2006: 279).

با توجه به مباحث مطرح شده، به نظر می‌رسد که با افزایش دسترسی زنان به منابع مالی و اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری آنان در امور اقتصادی خانواده افزایش می‌یابد. از جمله عناصر افزایش دهنده دسترسی زنان به منابع مالی می‌توان تحصیلات و اشتغال را مدنظر قرار داد؛ هر چند راه‌های دسترسی زنان به پول با مردان متفاوت است.

### تعریف مفاهیم

**منابع اقتصادی و مالی:** منابع یا سرمایه‌های اقتصادی شامل دارایی‌های مادی، مالی و به طور کلی انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند. منابع اقتصادی به مجموعه‌ای از سرمایه‌های ریالی و غیرریالی از قبیل، ملک، زمین و... اطلاق می‌شود. مالکیت از آن شخصی حقیقی است که بر آن نظارت و کنترل داشته و حق هر گونه اعمال تصمیم بر آن‌ها را داراست (کامران، ۱۳۸۲: ۱۸). در تعریف دیگری از استنوز آمده است، منابع اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را می‌توان در حق مالکیت یافت (۱۹۹۸: ۲۲۱). از منظر بوردیو، معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. همچنین از نظر وی سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی در واقع قدرت پرداخت برای این شکل از سرمایه است و آن شکلی است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در این پژوهش منابع اقتصادی فرد شامل امکاناتی است که برای رفاه اقتصادی در اختیار دارد. سرمایه اقتصادی افراد را می‌توان با درآمد زن، در آمد مرد، مالکیت منزل مسکونی، مالکیت تلفن همراه، مالکیت وسیله نقلیه و نوع آن، مالکیت (زمین، باغ، ویلا) و سپرده‌های بانکی سنجید.

هر نوع سرمایه و درآمدی که در دسترس افراد برای برآوردن نیازهایشان باشد می‌تواند منبع مالی محسوب شود. منابع مالی خانواده میزان درآمد و سرمایه منقول یا غیرمنقول اعضای خانواده است. دستمزد مرد یا زن، درآمد ناشی از واگذاری سهام، ملک، یا سرمایه‌گذاری در بانک، از این جمله است. منظور از درآمد در این پژوهش میزان مزدی است که یک فرد در طول ماه به دست می‌آورد.

**قدرت تصمیم‌گیری:** قدرت به ویژه هنگامی که بحث جنسیت در میان است اشکال متفاوتی را به نمایش می‌گذارد. هنگامی که بحث قدرت زنانه مطرح است معمولاً قدرت به نفوذ تغییر شکل می‌دهد. اما با توجه به مبانی نظری مطرح شده در این پژوهش تلاش شده است تا با عناصری از قبیل تصمیم‌گیری در اموری از قبیل تعیین مکان زندگی، تصمیم‌گیری در باره نحوه هزینه‌کردن درآمد، مدیریت خرج منزل، تصمیم‌گیری در مورد خرید خانه، ماشین و وسایل منزل سنجیده می‌شود. این عناصر به طور معمول از مهمترین عناصر مرتبط با قدرت در خانواده است.

## روش شناسی

روش هر پژوهش با توجه به ماهیت پرسش‌های آغازین و مبانی نظری تعیین می‌شود. یکی از دو مسئله محوری در این پژوهش منابع مالی خانواده است که به طور معمول از موضوعاتی است که پاسخگویان ترجیح می‌دهند آن را پنهان نگاه دارند. از اینرو برای نیل به حقیقت، نیاز به استفاده از روشی است که لایه‌های درونی‌تر پدیده را آشکار کند. از اینرو این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی انجام شد. در برخی از بررسی‌ها برای دستیابی به اهداف مورد نظر، از آن‌رو که هر یک از روش‌های پژوهشی محدودیت‌های خاص خود را دارد، تلاش می‌شود دو یا چند روش را در پژوهش ترکیب نموده و با بهره‌گیری از شیوه‌های متفاوت هر روش، اطلاعات به دست‌آمده از سایر روش‌ها را تکمیل یا کنترل نماید. از این‌رو چند سویه بینی اجازه می‌دهد که اعتبار و پایایی داده‌ها

در مقایسه نتایج هر مرحله مورد بررسی قرار گیرد (کرسول و کلارک، ۱۳۹۰؛ فلیک، ۱۳۸۸؛ سیلورمن، ۱۳۷۹).

اصل بنیادین تحقیق با روش‌های ترکیبی استفاده از تکنیک‌های کمی و کیفی در مراحل از تحقیق است که می‌تواند به صورت همزمان<sup>۱</sup> یا متوالی<sup>۲</sup> انجام گیرد، به گونه‌ای که دارای نقاط قوت مکمل و نقاط ضعف ناهمپوشان<sup>۳</sup> باشد (کرسول و کلارک، ۱۳۹۰: ۶). در این پژوهش از رویکرد دومرحله‌ای استفاده شد. بخش کیفی، مرحله اصلی پژوهش بود، و یک بخش کمی برای سنجش اعتبار و پایایی داده‌ها به اجرا در آمد<sup>۱</sup>. روش ترکیبی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا پدیده را از چند سو ببیند. روش کیفی به محقق اجازه می‌دهد تا به پاسخگویان نزدیک شود و به مفاهیم درونی افراد دست یابد (دلور، ۱۳۸۵: ۳۰۸). از سوی دیگر "تحلیل کمی، استدلالی آماری است" (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). در این پژوهش، از روش کیفی برای درک عمیق‌تر از فهم زنان و مردان از مفهوم منابع مالی و کنترل آن استفاده شد. از روش پیمایش برای شناخت گروه‌های بیشتری از زنان جامعه و کمی کردن تلقی و برداشت زنان از پول و سرمایه اقتصادی بهره برداری شد. اطلاعات در بخش کیفی این تحقیق با استفاده از ابزار مصاحبه سیر زندگی و در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه فراهم شد.

جمعیت یا جامعه آماری مجموعه‌ای از واحدهاست که در چیز یا چیزهایی مشترک باشند (سرایبی، ۱۳۸۹: ۵). در وهله اول چنین به نظر می‌آید که جامعه آماری در این پژوهش همه زنان و مردان بالاتر از ۱۵ سال ساکن شهر تهران است که معادل ۱۲۱۸۳۳۹۱ نفر بود (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استانداری استان تهران، ۱۳۹۰). اما بدان دلیل که بحث اصلی این پژوهش دسترسی زنان و مردان به نقدینگی و سرمایه اقتصادی است و معمولاً افراد تا سن ۲۰ سالگی مشغول به تحصیل بوده و

---

۱- با توجه به روش اجرای پژوهش و نحوه دسترسی به پاسخگویان، این پژوهش به هیچ وجه مدعی اعتبار بیرونی و تعمیم داده‌ها نیست.

جویای کار هستند، زنان و مردان بالاتر از سن ۲۰ سال مد نظر قرار گرفتند. طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، تعداد کل زنان و مردان بالای سن ۲۰ سال در شهر تهران ۳۹۶۸۱۵۵ نفر است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استانداری استان تهران، ۱۳۹۰).

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، در بخش کمی برای دستیابی به اطلاعات صحیح و اعتبار درونی از اعتبار بیرونی صرف نظر شد. بر این اساس امکان نمونه گیری احتمالی وجود نداشت. برای دسترسی به اعتبار درونی و داده‌های صحیح از روش سهمیه‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد.

$$n = \frac{nt^2p(1-p)}{nd^2 + t^2p(1-p)}$$

$$n = \frac{nt^2p(1-p)}{nd^2 + t^2p(1-p)}$$

$$n = \frac{3968155 \times 1.96 \times 0.25^2}{3968155 \times 0.07^2 + 1.96 \times 0.25^2} = \frac{3811016.062}{19444.9199} = 195.99$$

بدین ترتیب در بخش کمی تعداد ۱۹۶ نفر به پرسشنامه پاسخ گفتند. از این تعداد ۶۳ نفر مرد و ۱۳۳ نفر زن بودند. در بخش کیفی از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در این بخش از ۲۲ نفر مصاحبه شد، که ۱۲ نفر زن و ۱۰ نفر مرد بودند. افراد مورد مصاحبه از نمونه‌های تیپیک و همچنین خاص انتخاب شدند.

## یافته‌های پژوهش

### منابع مالی در دسترس زنان

داده‌های کیفی نشان می‌دهد که زنان معمولاً به چهار نوع منبع مالی دسترسی دارند. بخشی از منابع مالی زنان، مثل پول خانگی به نقش‌های سنتی زنان و مردان برمی‌گردد. بیشتر زنان مصاحبه‌شونده مبلغی پول به عنوان خرج خانه از همسرشان دریافت می‌کنند، خرج خانه به صورت روزانه و در موارد معدودی به شکل هفتگی یا ماهیانه دریافت می‌شود. هر دو جنس زنان و مردان یکی از وظایف اصلی مرد متاهل را "پرداخت خرج خانه" می‌دانند. خانمی ۴۷ ساله می‌گوید: "شوهرم هر روز صبح مبلغی پول برای خرج آن روز خانه برای من می‌گذارد." خانمی ۵۴ ساله معتقد است: "من ... درآمد خوبی دارم، اما این دلیل نمی‌شود که همسرم خرجی به من ندهد." خانمی ۶۰ ساله می‌گوید: "... وظیفه شوهرم است که خرجی مرا بدهد." خانم جوان و شاغلی می‌گوید: "... زن گرفتن خرج دارد." خانمی ۳۰ ساله و شاغل معتقد بود که همسرش "باید بداند که زندگی خرج دارد." این جملات، انتظارات اقتصادی زنان را از همسران خود نشان می‌دهد. خانم جوان ۳۲ ساله می‌گوید: "... همسرم مخارج خانه ... را تامین می‌کند..." خانم ۴۲ ساله معتقد است: "پول گرفتن از شوهر باعث می‌شه که بدون زن و بچه داره، ... زندگی داره ...".

اطلاعات به دست آمده از بخش کمی در مورد دریافت خرجی خانه حاکی از آن است که از تعداد ۱۳۳ خانم که پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند، تنها ۷ نفر هیچ پولی به عنوان خرجی خانه از همسران‌شان دریافت نمی‌کنند. بیشترین میزان خرجی خانه، ماهیانه ۵۰۰۰۰۰ تومان و کمترین میزان آن، بدون در نظر گرفتن خانم‌هایی که هیچ‌گونه خرجی خانه دریافت نمی‌کنند، ۵۰۰۰۰ تومان است.

پول توجیبی نوع دیگری از پول در دسترس زنان است. این پول برای مخارج شخصی زنان توسط همسران‌شان پرداخت می‌شود. خانمی ۳۵ ساله می‌گوید: "من از



روز اول... گفته‌ام هر چقدر هم درآمد داشته باشم باز پول تو برکت بیشتری برای من دارد... " خانمی ۳۹ ساله می‌گوید: "من خودم درآمد خوبی دارم... و حتی برای همسرم خرج می‌کنم... اما... هر ماه مبلغی به عنوان پول توجیبی خودم ازش می‌گیرم". خانمی ۳۲ ساله معتقد است: "همسرم موظف است مخارج مرا تامین کند."

این که زنان پرداخت پول توجیبی را جزو وظایف مردان می‌دانند، چندان مورد قبول مردان نیست. برخی از مردان معتقدند: "زنانی که خودشان حقوق و درآمدی دارند... نیاز به پول توجیبی ندارند." آقای ۴۲ ساله گفت: "همسرم خودش درآمد خوبی دارد، برای مخارج شخصی او من وظیفه‌ای ندارم...". "در مقابل این ایده برخی از مردان اظهار می‌کنند که کلیه هزینه‌های زن بر عهده آنان است، از این رو برای همسرانشان پول توجیبی در نظر می‌گیرند. آقای ۳۷ ساله می‌گوید: "اگر توان مالی بالاتری داشتم خیلی دلم می‌خواست برای همسرم بیش از این هزینه کنم". اما مرد دیگری که همسرش خانه دار است، می‌گوید: "من مبلغی برای مخارج زنم در نظر می‌گیرم، مثلاً ماهی ۵۰ هزار تومان، اما اگر در طول ماه پول کم داشته باشم از مخارج زنم کم می‌کنم." نکته مهم آن است که این دو نوع منبع مالی از طریق همسران فراهم می‌شود.

نوع دیگری از منابع مالی در دسترس زنان ارثیه از سوی پدر و گاه مادر؛ یا گرفتن هدایایی درآمدزا از آنان، از قبیل خانه، مغازه، اوراق بهادار مثل سهام بورس است. ارثیه پدری برای زنان عزت نفس و سربلندی در برابر همسرانشان ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که این نوع درآمد قدرت تصمیم‌گیری بسزایی برای زن در پی دارد. خانمی ۵۴ ساله که به تازگی مغازه‌ای از جانب پدر هدیه گرفته، می‌گوید: "حالا می‌توانم با این درآمدم برای جهیزیه دخترم هر چه می‌خواهم تهیه کنم." خانم ۴۸ ساله می‌گوید: "... من مبلغ سهم الارثم را در بانک گذاشتم، حالا سود آن را ماهیانه می‌گیرم، شوهرم در این باره هیچ حرفی نمی‌زند و این پول برای خودم است". خانم جوانی می‌گوید: "پدرم از سهم کرایه آپارتمان‌هایش مبلغی برای من... در نظر گرفته... از این بابت

خیلی خوشحالم، با این که همسرم هیچ کمو کسری برای من نمی‌گذارد، اما پول پدرم چیز دیگری است. "بیشتر خانم‌هایی که از طرف والدین حمایت مالی می‌شوند، به نوعی با امنیت خاطر بیشتری نسبت به آینده، زندگی را ادامه می‌دهند. خانمی ۵۲ ساله می‌گوید: با این که پدرم مبلغ ناچیزی ماهیانه به حساب من واریز می‌کند، اما من با پس‌انداز همین مبلغ اندک توانستم در خرید دو دانگ خانه با دو خواهرم شریک شوم. خانمی ۵۸ ساله می‌گوید: "اگر کمک مالی پدرم نبود تا به این لحظه زندگی مالی من از هم پاشیده بود..."

بیشتر خانم‌هایی که از ارثیه پدری برخوردار شده‌یا از کمک‌های مالی والدین بهره می‌برند معتقدند با استقلال نسبتاً زیادی درباره این منبع مالی تصمیم می‌گیرند. خانم ۶۰ ساله که از ارث پدری خانه‌ای دارد و اجاره بهای آن را دریافت می‌کند، می‌گوید: "هر وقت در مورد مبلغ اجاره بها یا ودیعه با همسرم صحبت می‌کنم برخلاف دیگر موارد مالی... می‌گوید هر طور خودت صلاح می‌دانی. "خانمی ۴۷ ساله می‌گوید: "... ارثیه مادرم... را اجاره دادم، با این که همسرم به هر نحوی پول‌های مرا می‌گیرد، اما خوشبختانه در این مورد به هیچ عنوان دخالت نمی‌کند... " مردان نیز در خلال مصاحبه‌ها رویکرد مشابهی داشتند. آن‌ها ارثیه را خارج از حیطه اختیارات خود قلمداد کردند. آقای ۵۲ ساله که همسرش به عنوان هدیه از طرف پدر خانه‌ای دریافت کرده و مبلغ اجاره بهای آن را ماهیانه می‌گیرد، در این باره می‌گفت: "این پول سهم پدری خانمم است، ... پول خودش است اختیار کامل دارد."

از دیگر منابع مالی در دسترس زنان، درآمد مربوط به خانم‌های شاغل است. جدای از کمیت حقوق دریافتی خانم‌های شاغل، حس استقلال مالی، داشتن منبع مالی برای زنان همراه با احساس قدرت است. خانم ۲۸ ساله معتقد است: "... هرچقدر هم که همسرم مرا از نظر مالی تامین کند، باز هم پول خودم چیز دیگری است. " خانم ۴۲ ساله می‌گوید: "کار برای زنان به خاطر مسئله اقتصادی لازم است ... بخشی از هزینه‌های زندگی چه بخوایم چه نخواستیم بر عهده من است". تعداد خانم‌هایی که دلیل

کار کردن خود را استقلال مالی عنوان کردند بسیار بیشتر از خانم‌هایی بود که دلایلی از قبیل حضور در اجتماع، مفید بودن، ارتقای فکری و... را دلیل اشتغال خود می‌دانستند. خانم ۴۵ ساله و همکار ایشان معتقدند جنبه مالی اشتغال برای زنان مهم است، وی می‌گوید: "... نمی‌توانم منکر جنبه مالی و حقوق دریافتی بشوم. همین مسئله باعث شده فرزندان و همسرم بیشتر مرا قبول داشته باشند..." در همین زمینه آقای ۳۲ ساله می‌گوید: "اگر شغل همسرم نبود نمی‌توانستم از پس مخارج خانه بر بیایم." خانمی ۳۴ ساله معتقد است: "همین که مخارج خودم را تامین می‌کنم برای همسرم کافی است." تعداد قابل توجهی از آقایان مصاحبه شونده با کار همسران‌شان موافقت. آقای ۵۲ ساله می‌گوید: "اوایل زندگی مشترک خیلی مخالفت می‌کردم ... اما الان خدا را شکر می‌کنم که حقوق همسرم کمک خرج ما شده." آقای ۳۱ ساله می‌گوید: "با این که واقعاً تمایل ندارم خانومم کار کند، اما اگر کار نکند زندگی‌مان لنگه..."

همانطور که خانم‌ها و آقایان مصاحبه شونده اظهار کردند، زنان شاغل، با توجه به دسترسی به منبع مالی کمک بزرگی در تامین مخارج خانواده هستند. این منبع مالی در دسترس خانم‌ها یکی از منابعی است که احساس استقلال را برای آن‌ها به همراه دارد؛ اما در عین حال نگاه مردان نسبت به این درآمد در مقایسه با ارثیه زن کاملاً متفاوت است.

جدول ۱- میزان دسترسی زنان به انواع منابع مالی

متغیر	فراوانی	درصد
خرجی خانه	۲۳	۱۷,۴۲
حقوق ماهیانه	۶۳	۴۷,۷
پول توجیبی توسط همسر	۲۲	۱۶,۷
ارثیه	۱۲	۹,۱
کمک والدین	۳	۲,۳
مجموع	۱۳۲	۱۰۰

## دسترسی زنان به منابع مالی و تصمیم‌گیری در باره آن

زنان برای بهبود وضعیت رفاهی خانواده و بالا بردن سطح اقتصادی آن بیشتر از گذشته به سمت اشتغال خارج از خانه روی می‌آورند. به این ترتیب زنان دسترسی بیشتری به منابع مالی به دست می‌آورند. اما پرسش این است که آیا این بانوان درباره درآمد خود، شخصاً تصمیم می‌گیرند؟ خانم ۴۱ ساله می‌گوید: "قبل از ازدواج شاغل بودم، آن زمان مادرم می‌گفت حالا که دستت در جیب خودت است، پول‌هایت را جمع کن تا بتوانی برای تهیه جهیزیه کمک حال پدرت باشی. بعد از ازدواج به همان رسم سابق بیشتر پول‌هایم را پس‌انداز می‌کردم، همسرم در این پول‌ها دخالتی نمی‌کرد، اما هر وقت نیاز مالی داشتیم توقع داشت که من از پس‌اندازم به او کمک کنم." خانم ۴۳ ساله که سال‌های نزدیک به بازنشستگی را سپری می‌کند معتقد است: "وقتی کارمندی جزء بودم حقوق کمی داشتم و ... همه را صرف خانه و زندگی می‌کردم، کم کم ... حقوقم زیاد شد، بیشتر حقوقم را پس‌انداز می‌کردم، همسرم کاملاً اطلاع داشت، برای همین وقتی خواستیم خانه بخریم، پس‌اندازم را به او دادم."

خانمی ۳۶ ساله می‌گوید: "این که بتوانم برای حقوقم تصمیم بگیرم واقعیت ندارد، چون من و همسرم هر دو با هم خرج خانه را می‌دهیم، اگر مسئله‌ای مثل تعمیر خانه پیش بیاید من نمی‌توانم تصمیم بگیرم که پولم را برای کمک به او ندهم، باید کمک کنم." خانم ۲۸ ساله می‌گوید: "من خود می‌توانم برای حقوقم تصمیم بگیرم، اما اگر همسرم نیاز داشته باشد، یا وقتی می‌دانم حقوقش کفاف مخارج را نمی‌دهد، من از حقوقم به او و خرج خانه کمک می‌کنم." خانم ۳۴ ساله می‌گوید: "من خودم برای کل پولم تصمیم می‌گیرم، اما این ظاهر قضیه است، چون همسرم می‌داند پس‌انداز من چقدر است، به او می‌گویم مخارج ماشینم زیاد است پول بده می‌گوید خودت داری." نکته جالب آن است که برخی از خانم‌ها هر گونه هزینه کرد درآمد خود را برای مخارج خانگی - گاه مخارج شخصی - نشانه عدم کنترل خود بر درآمد می‌دانند.

همچنین برخی از بانوان معتقدند که همسرشان بر دارایی آنان نظارت عالیه دارند. برخی داوطلبانه درآمد خود را صرف خانواده می‌کنند و آخرین گروه کسانی هستند که دست کم در کوتاه مدت درآمد خود را پس انداز کرده و هزینه امور روزمره نمی‌کنند. اما آنان نیز در بلند مدت پس انداز را با صلاحدید همسر هزینه می‌کنند.

آقای ۴۲ ساله که همسرش تا سه سال قبل شاغل بود می‌گوید: "این که همسر من می‌توانست در مخارج خانه به من کمک کند خیلی خوب بود، اما وقتی خانم‌ها درآمد مستقلی دارند همه چیز را متعلق به خود می‌دانند..." آقای ۴۳ ساله و بازاری معتقد است: "زن نباید کار کند، چون توقعش بالا می‌رود... پول هم که دارد، دیگر نمی‌شود آن‌ها را کنترل کرد، به این زن دیگر نمی‌شود حرف زد." آقای ۳۴ ساله که به تازگی ازدواج کرده و با همسرش همکار نیز هست می‌گوید: "من قبل از ازدواج هم دوست داشتم همسر شاغل باشد، از نظر اقتصادی خانواده‌ای که زن و شوهر هر دو شاغل هستند بسیار موفق‌تر است." آقای ۴۸ ساله با وجود همسری کارمند مخالف کار خانم‌هاست، او می‌گوید، "از زمانی که زنم معاون شعبه شد رفتارش تغییر کرد." آقای ۳۲ ساله که خانمش مدیر فروش یک شرکت بزرگ است می‌گوید: "فرقی نمی‌کند همسر چه سمتی داشته باشد، مهم این است که حرف اول و آخر را من می‌زنم." آقای ۳۰ ساله که خودش برای همسرش کار پیدا کرده می‌گوید: "میزان درآمد همسر در زندگی ما تاثیر چندانی ندارد، اما ... از او می‌خواهم که پولش را خرج زندگی مشترکمان کند، مگر من تنها در این زندگی مسئول امور مالی هستم؟"

با توجه به دیدگاه‌های مردان و زنان در باره درآمد زنان و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در امور مالی خانواده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که اگر چه با بالارفتن موقعیت شغلی زنان، دسترسی آن‌ها به منابع مالی افزایش پیدا می‌کند، اما این مسئله ارتباط معناداری با افزایش کنترل آنان در امور اقتصادی خانواده ندارد. زنان می‌توانند پس‌انداز بیشتر داشته باشند، یا هزینه‌های بیشتری برای خود و اطرافیان

صرف کنند، اما تصمیم در باره این که چه مقدار پول صرف خرید خانه جدید شود، با همسران‌شان است. در این جا نقش آفرینی عنصر جنسیت در کنترل بر سرمایه اقتصادی به نمایش در می‌آید.

در بخش کمی شاخص قدرت تصمیم‌گیری با جمع هفت گویه ساخته شده و با توجه به تقسیم‌بندی امتیازها به سه گروه قدرت پایین، قدرت متوسط و قدرت بالا (دست کم امتیاز ۱۷ و حداکثر آن ۳۲) دسته‌بندی شد. پانزده درصد از خانم‌ها قدرت پایین، ۶۳،۲ درصد از خانم‌ها قدرت متوسط و ۱۶،۵ درصد از آن‌ها دارای قدرت بالا هستند.

جدول ۲- توزیع فراوانی شاخص قدرت تصمیم‌گیری زنان در باره منابع مالی

متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
قدرت پایین	۲۰	۱۵	۱۵,۹
قدرت متوسط	۸۴	۶۳,۲	۶۶,۷
قدرت بالا	۲۲	۱۶,۵	۱۷,۵
جمع	۱۲۶	۹۴,۷	۱۰۰
باطل شده	۷	۵,۳	
مجموع	۱۳۳	۱۰۰	

با بررسی رابطه بین میزان دسترسی زنان به منابع مالی و موقعیت شغلی آنان، مشخص شد که با ارتقای موقعیت شغلی دسترسی زنان به منابع مالی افزایش می‌یابد.

جدول ۳- جدول دو بعدی رابطه بین اشتغال زنان و میزان دسترسی به منابع مالی<sup>۱</sup>

وضعیت اشتغال	میزان دسترسی به منابع مالی					
	بدون درآمد	۲۰۰ تا ۴۰۰	۴۰۱ تا ۶۰۰	۶۰۱ تا ۸۰۰	۸۰۱ تا ۱۰۰۰۰۰۰	بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۱
بیکار	۱	۰	۰	۰	۰	۰
کارمند	۰	۱۷	۲۳	۹	۹	۱
آزاد	۰	۴	۲	۲	۱	۰
خانه دار	۲	۴۵	۱۰	۰	۴	۱
بازنشسته	۰	۰	۰	۰	۲	۰
مجموع	۳	۶۶	۳۵	۱۱	۱۶	۲

اجرای کای اسکوتر در مورد رابطه بین موقعیت شغلی زنان و میزان دسترسی آنان به منابع مالی معادل ۹۰,۶۳۲ با درجه آزادی ۲۰ و  $Sig= ۰,۰۰۰$  است. نکته مهم آن است که بین کنترل زنان بر درآمدشان و موقعیت شغلی آنان رابطه معنی داری دیده نشد. یافته‌های بخش کیفی پژوهش نیز این یافته را تایید می‌کند، در بین مصاحبه شوندگان خانم و آقا نیز مشاهده شد که تصمیم‌گیرنده نهایی درباره بیشتر هزینه‌ها، آقایان هستند و موقعیت شغلی خانم‌ها و دسترسی آنان به منابع مالی تاثیر چندانی در این روند ندارد.

۱- به دلیل اهمیت درآمد شخصی خانم‌ها در این پژوهش، خانم‌هایی که دارای درآمد شخصی بوده اما شغلی نداشته اند خانم‌های خانه دار و افرادی که درآمد شخصی نداشته اند، بیکار معرفی شده اند.

## برداشت زنان از قدرت

مناسبات قدرت حوزه گسترده‌ای از روابط انسانی را در برمی‌گیرد. به زعم بوردیو، عاملان و کنش‌گران حاضر در هر میدان به سبب دستیابی به قدرت و منزلت و از آنجایی که در موقعیت‌های نابرابری هستند همواره در کشمکش و جدال‌اند و از طریق‌خصلت و شکل‌های سرمایه‌ای که در اختیاردارند می‌توانند جایگاه فرادست یا فرودست را در این میدان کسب نمایند (گرنفل، ۱۳۸۰: ۴۳۴). اما درک زنان از احساس قدرت خود چیست؟ به باور بیشتر زنان مصاحبه‌شونده قدرت همان سیاستی است که می‌توانند به وسیله آن خواسته‌های خود را عملی کنند. تقریباً بیشتر زنان پاسخگو احساس قدرت را در رابطه با همسر و فرزندانشان، تصمیم‌گیری در مورد خرید وسایل زندگی، و امکاناتی که زن در اختیار خانواده قرار می‌دهد؛ تعریف می‌کنند. خانمی ۵۵ ساله می‌گوید: "سال‌هاست به دلیل بیماری همسر، من خانه و زندگی را اداره می‌کنم، خدا را شکر موفق هم بوده‌ام، و من از این بابت احساس قدرت می‌کنم". خانمی ۳۲ ساله که توانسته است طی مدت شش سال تمام قرض‌های همسرش را بپردازد و در کنار آن با کمک هم خانه هم بخرند، احساس قدرت می‌کند. او می‌گوید: "آنقدر قدرت داشتم تا همسر را وادار کنم نصف خانه را به نام من کند". خانم دیگری در همین سن می‌گوید: "با همسر دوست هستیم، از نظر مالی هم شریک هم هستیم، من هر گاه چیزی بخواهم همسرم برایم فراهم می‌کند، زنان دیگر اطرافم این قدرت را ندارند". خانمی ۶۰ ساله، معتقد است: "زن با سیاستی که دارد می‌تواند مار را از لانه بیرون بکشد". وی می‌گوید: "قدرت در زندگی با کسی است که سیاست بیشتری دارد و می‌تواند با حرف طرف مقابل را به تن دادن به خواسته‌های خود قانع کند". خانمی ۳۲ ساله می‌گوید: "به دلیل این که سال‌هاست در این جامعه کار می‌کنم، حقوق خودم را می‌شناسم و منطقی حرف می‌زنم، همسر حرف‌های مرا قبول دارد و مرا طرف مشورت قرار می‌دهد، این کار به من حس قدرت می‌دهد. اما دختر خاله‌ام زنی خانه‌دار است که همسرش هیچ‌گاه او را در کارهایش مورد مشورت قرار نمی‌دهد". خانمی ۴۸



ساله گفت: "وقتی برای بچه‌ها کارت‌های مخصوص استفاده از اماکن ورزشی را به خانه می‌آورم، یا هنگام بازگشت به خانه خرید می‌کنم و با دست پر به خانه می‌آیم همسرم و بچه‌ها با من مهربان‌تر هستند. مرا بیشتر در تصمیمات مورد مشورت قرار می‌دهند و این به من احساس قدرت می‌دهد. "خانمی ۴۳ ساله می‌گوید: "به محض این که همسرم متوجه می‌شود که سرمایه اندکی دارم رفتارش با من بهتر می‌شود و به خواسته‌های من احترام می‌گذارد، برای همین تا زمانی که پول دارم احساس قدرت می‌کنم. "خانم ۳۴ ساله و مجرد می‌گوید: "از زمانی که شاغل شدم و درآمدی دارم، می‌توانم در امور اقتصادی خانه دخالت کرده و تصمیماتی بگیرم، این به من احساس قدرت می‌دهد." به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی بر احساس قدرت خانم‌ها موثر است (بوردیو سرمایه اقتصادی را مهمترین شکل سرمایه و مادر سایر اشکال سرمایه می‌داند (استونز، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

آقای ۳۸ ساله می‌گوید: "از آنجا که میزان هزینه‌های شخصی من، مثل پول بنزین و سیگار مشخص است هر ماه مبلغی برای مخارج شخصی خودم بر می‌دارم و مابقی حقوقم را به همسرم می‌سپارم او خود از پس کل هزینه‌های زندگی بر می‌آید، من قدرت تصمیم‌گیری در مورد مخارج خانه را به او واگذار کرده‌ام. "خانم ۵۳ ساله نوعی اعمال نفوذ غیرمستقیم را به نمایش می‌گذارد. او می‌گوید: "من به طور کلی در امور اقتصادی خانه هیچ دخالتی ندارم، اما وقتی بخواهم چیزی برای خانه تهیه کنم از طریق بچه‌ها و واسطه کردن آن‌ها به خواسته‌ام می‌رسم، اینجاست که قدرت من هم مشخص می‌شود".

جدول ۴- نظرات زنان در مورد نشانه‌های قدرت آنان در خانواده

اداره خانواده	گرفتن تصمیم‌های اقتصادی در خانواده	باری از دوش خانواده برداشتن
داشتن سرمایه و پول	داشتن تحصیلات	رسیدن به خواسته‌های مالی خود
داشتن نقدینگی بالا	منطقی صحبت کردن	دادن امکانات به خانواده

در بخش کمی شاخص تصمیم‌گیری مشترک با سوال مستقیمی در پرسشنامه از پاسخگویان پرسیده شد،

جدول ۵- جدول دوبعدی رابطه بین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشترک زن و شوهر با قدرت زن

جمع	تصمیم‌گیری اقتصادی مشترک				تصمیم‌گیری قدرت زن
	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	
۱۱	۱	۶	۳	۱	قدرت پایین
۹۵	۵	۸۰	۳	۷	قدرت متوسط
۱۸	۵	۱۳	۰	۰	قدرت بالا
۱۲۴	۱۱	۹۹	۶	۸	مجموع

اجرای کای اسکوئر در مورد رابطه بین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشترک زن و شوهر و قدرت زنان در خانواده معادل ۱۵۸.۲۴ با درجه آزادی ۶ و  $\text{Sig} = ۰,۰۰۰$  است. بدین معنی که هم تغییری بین احساس قدرت زنان و ظهور تصمیم‌گیری مشترک اقتصادی بین زوجین دیده می‌شود. یعنی با افزایش این مشارکت زنان احساس قدرت بیشتری می‌کنند. داده‌های بخش کیفی نیز نتیجه‌ای مشابه را نشان داد. به عبارت دیگر با افزایش میزان مشورت با زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی احساس قدرت آنان افزایش می‌یابد. برای آزمون مجدد این یافته رابطه بین جنسیت و تصمیم‌گیری در باره خرید خانه سنجیده شد.

جدول ۶- جدول دوبعدی رابطه بین جنسیت و تصمیم‌گیری برای خرید خانه

جمع	تصمیم‌گیری برای تعویض و خرید خانه				تصمیم‌گیری جنسیت
	فرزندان	هر دو	زن	مرد	
۱۲۸	۲	۸۳	۷	۳۶	زن
۶۰	۰	۴۷	۳	۱۰	مرد
۱۸۸	۲	۱۳۰	۱۰	۴۶	مجموع

اجرای کای اسکوئر در مورد رابطه بین جنسیت و تصمیم‌گیری برای خرید خانه معادل ۲,۱۵۰ با درجه آزادی ۴ و  $\text{Sig} = ۰,۰۰۷$  است.

### موانع بروز احساس قدرت اقتصادی در زنان

زنان در زندگی زناشویی در مورد منابع اقتصادی در خانواده از قدرت کمتری نسبت به مردان برخوردارند. گیدنز (۱۳۷۳) می‌گوید این مردان هستند که تصمیم می‌گیرند امور مالی خانواده به طور کلی چگونه اداره شود و زنان در این موارد عملاً نمی‌توانند تصمیم بگیرند. زنان هم در خانواده تصمیماتی اتخاذ می‌کنند. اما به زعم هر دو آنها (زن و مرد) این تصمیمات کم اهمیت و جزئی است. تصمیماتی مانند انتخاب و خرید وسایل منزل برعهده زنان است. در خلال مصاحبه‌ها عده‌ای از خانم‌های مصاحبه شونده نیز به این مسئله اشاره کردند که انتخاب خرید کالاهای بزرگ بیشتر بر عهده همسران‌شان بوده و آنها در مواردی مثل خرید لوازم منزل مثل مبل، میز ناهار خوری، پرده و ... نظرات‌شان را اعمال می‌کنند. در رویکردی متفاوت، خانمی ۵۳ ساله می‌گوید: "از انتخاب شبکه تلویزیون تا انتخاب وسیله نقلیه یا انتخاب خانه برای اجاره به عهده همسر است، یعنی خودش اجازه دخالت به من نمی‌دهد...".

تعدادی از مصاحبه‌شونده‌ها عرف و سنت را از جمله عوامل عدم بروز قدرت زنان در خانواده می‌دانستند. خانم ۴۷ ساله معتقد است: "زن هر چقدر هم قدرت مالی داشته باشد باز هم زورش به مردش نمی‌رسد چون جامعه هم این را قبول کرده که زن درجه دوم اهمیت است". برخی مصاحبه‌شونده‌ها عناصر فرهنگی و خانوادگی را از جمله عوامل بازدارنده قدرت در زنان می‌دانند. خانمی ۳۴ ساله، معتقد است: "به دخترها در خانواده از همان کودکی یاد می‌دهند که دختر باید صبور و ساکت باشد. اما این حرفها هیچ وقت مربوط به برادرم نمی‌شد، او حق داشت در هر بازی دعوا کند و زور بگوید". خانمی ۵۷ ساله می‌گوید: "مادرم همیشه به من می‌گفت زن خوب صبور است، هر چه شوهرت می‌گوید بگو چشم، جوابش را نده، مرد است حق دارد، زود عصبانی می‌شود". از سویی دیگر برخی خانم‌های مصاحبه‌شونده خودشان بر این باور بودند که مردها به دلیل این که بهتر تصمیم می‌گیرند و در مسائل اقتصادی بهتر از زنان عمل می‌کنند، می‌توانند قدرت بیشتری هم در این موارد اعمال کنند. خانمی ۳۴ ساله می‌گوید: "سال گذشته همه درآمد رابه شوهرم دادم، برایم پس‌انداز کرد و با آن پول برایم ماشین خرید، اما امسال پول دست خودم بود، او با پول‌هایش آپارتمان خرید که چند برابر شد، من طلا خریدم که قیمت آن کم شد. همیشه همسرم بهتر از من تصمیم می‌گیرد، برای همین است که کنترل زندگی را به دست دارد". خانمی ۴۷ ساله می‌گوید: "همسرم بیشتر از من در اجتماع رفت و آمد دارد به نسبت من تحصیلاتش بالاتر است، بهتر می‌داند چه چیز برای بچه‌ها خوب است و چه چیز بد است، ... من چیزی نمی‌دانم، برای همین اوست که بیشتر تصمیم می‌گیرد".

از دیگر دلایل عدم بروز قدرت در زنان قوانین و مقررات موجود در جامعه است. از آنجا که مجوز اشتغال زن بر حسب قانون به مرد واگذار شده، نگرانی از لغو مجوز اشتغال توسط همسر، از دیگر عواملی است که سبب احساس عدم قدرت در زنان می‌شود. در این باره خانم جوان ۳۴ ساله و شاغل، عنوان می‌کرد که "همیشه در تب و تاب این بودم که همسرم به بهانه‌هایی مانع از کارم شود."

در برخی موارد آقایان مصاحبه شونده دلایل عدم قدرت زنان را عدم اعتماد به تصمیمات آنها عنوان می‌کردند، آقای ۴۳ ساله می‌گوید: "اگر قرار باشد تصمیمات زندگی بر عهده همسر باشد حتماً تا به حال زندگی از هم پاجیده بود، زیرا هیچ‌گاه تصمیمات خوبی نمی‌گیرد، در اوایل ازدواجمان یک ماه کل حقوقم را به او سپردم ... پانزدهم ماه تمام پول تمام شده بود".

جدول ۷- نظرات زنان و مردان در باره علل عدم قدرت زنان

عرف و سنت	نگرانی از بر هم خوردن آرامش خانوادگی	شرم و آبرو
تربیت خانوادگی	باور نداشتن به توانایی زن توسط دیگران	باور به دانایی بیشتر مرد
عدم اعتماد مرد به زن	آگاه نبودن زن	داشتن فرزند
قوانین نامناسب جامعه	خشونت مرد	

### عرصه‌های تصمیم‌گیری مالی زنان در خانواده

در مصاحبه‌ها مشاهده شد زنان در جریان زندگی روزانه خود کوشش می‌کنند در محدوده‌های خاص و در روابط خود با همسرشان فضاهایی را برای اعمال قدرت خود ایجاد کنند. به نظر می‌رسد حتی زنانی که شاغل نیستند قادرند راه‌هایی را برای اعمال قدرت و کنترل همسر خود بیابند. خانمی ۵۳ ساله می‌گوید "با این که همیشه حرف شوهرم است اما من هم می‌توانم حرفم را به کرسی بنشانم، از طریق آرامش و با پنبه سر بردن در مورد مسائل خانه یا برخی خریدها برای خانه مثل ماشین لباسشویی من هم قدرتم را نشان داده‌ام". اما خانم جوان ۳۴ ساله می‌گوید: "می‌توان به صورت منطقی خواسته‌ها را مطرح کرد. اما... در همه موارد نمی‌توان به خواسته‌ها از طریق منطقی رسید من می‌توانم در امور خانه‌داری و فرزندم تصمیماتی بگیرم... اما در مورد خرید ماشین نه". ظاهراً این خانم نقش محدودتری در تصمیم‌گیرها دارند و مواردی که می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند، به امور خانه داری محدود می‌شود.

عمده زنان مصاحبه شده احساس قدرت را در چارچوب خانواده، در رابطه با همسر و فرزندان و تصمیم‌گیری نهایی در خانواده تعریف می‌کنند. تصمیم‌گیری در مورد خرید وسایل زندگی، امور جاری خانه و فرزندان، مربوط به آنهاست. خانمی ۴۵ ساله می‌گوید: "تا وقتی که بتوانم مبلغی از هزینه‌های خانه را برعهده بگیرم می‌توانم در مورد مخارج خانه نیز تصمیماتی بگیرم. حتی برای لباس فرزند و همسر". خانمی ۵۵ ساله می‌گوید: "... کمک‌های پدرم بود که توانستم خودم برای زندگی‌ام تصمیم بگیرم و دیگر محتاج پول شوهرم نباشم، حالا دیگر قدرت دست من است". در بررسی مصاحبه‌ها مشخص شد زنان راه‌های گوناگونی را برای اعمال قدرت خود در خانواده انتخاب می‌کنند. خانمی ۵۳ ساله معتقد است در امور جاری خانه اوست که تصمیم نهایی را می‌گیرد. وی می‌گوید: "اینجا دیگر تصمیم با من است که چه بخرم و چه کاری بکنم". خانمی ۳۲ ساله می‌گوید: "من با همسر به طور مشترک تصمیم می‌گیریم اما در برخی جنبه‌ها تصمیمات من بیشتر اثر دارد، مثلاً برای خرید، نوع دعوت از دوستان برای مهمانی، دکوراسیون منزل؛ اما برای خرید ماشین همسر بیشتر تصمیم می‌گیرد." سخنان او حکایت از آن دارد که عرصه‌های تصمیم‌گیری زنان و مردان حتی در امور خانوادگی از یکدیگر جدا و تعریف شده است. خانمی ۳۶ ساله معتقد است: "اگر زن از خودش درآمد داشته باشد، همسرش بیشتر به حرف‌های او توجه می‌کند. من در ازدواج اولم خانه‌دار بودم و همیشه باید برای پولی که از شوهرم می‌خواستم خواسته‌هایم را قبول می‌کردم، اما در ازدواج دوم خودم کار می‌کنم و من هستم که در زندگی تصمیم می‌گیرم".

#### جدول ۸- نظرات زنان در مورد عرصه‌های تصمیم‌گیری در خانواده

لباس‌های شوهر و فرزندان	دکوراسیون منزل بستگان	تربیت بچه‌ها
مشارکت در امور مالی خانواده	عرصه کار خانگی (امور خانه داری)	خرید برخی لوازم منزل

## نتیجه گیری

بوردیو بر این باور است که سرمایه اقتصادی مادر همه سرمایه‌ها است. از اینرو به نظر می‌رسد که دسترسی به منابع مالی و توان اعمال کنترل بر آن از مهم‌ترین عوامل موثر بر توزیع قدرت تصمیم‌گیری در خانواده باشد. نکته مهم آن است که بوردیو در این باره کمتر به نقش جنسیت پرداخته است. کاترین حکیم از سرمایه‌ای به نام سرمایه جنسی نام می‌برد که نشان می‌دهد که زنان و مردان در مسیر کسب سرمایه اقتصادی ممکن است در میدان‌های گوناگونی قرار گیرند. گیدنز هم دسترسی زنان را به منابع مالی در خانواده محدود می‌داند. نتایج حاصل از این پژوهش حکایت از محدود بودن دسترسی و کنترل زنان بر منابع مالی خانواده داشت. دسترسی زنان به منابع مالی در قدرت آنان در فرآیند تصمیم‌گیری تأثیر گذار است. اما این بدان معنی نیست که آنان در عرصه‌هایی که معمولاً تصمیم‌گیری به طور سنتی بر عهده مردان است، مانند خود مردان به نقش آفرینی می‌پردازند. در مسائل خانوادگی آنان عمدتاً در مواردی تصمیم‌گیری می‌کنند که به طور سنتی زنانه است. در مواردی دیده شده است که آنان امکان تصمیم‌گیری مشترک در مواردی را به دست آورده اند که به طور معمول در اختیار مردان است. از این جمله موارد می‌توان به خرید خانه یا خودرو اشاره کرد.

زنان به چهار منبع مالی دسترسی دارند. این منابع عبارتند از خرج خانه، پول توجیبی، دستمزد و ارثیه. اما نکته مهم آن است که عمده‌ترین میدان تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کرد این منابع درباره ارثیه ظاهر می‌شود. در دو مورد اول به طور معمول زنان مجریان تصمیمات اتخاذ شده توسط مردان هستند. داده‌های کیفی حاکی از آن است که مردان در باره دستمزد زنان دارای نفوذ و اختیارات زیادی هستند. نکته مهم آن است که توان تصمیم‌گیری زنان در امور اقتصادی لزوماً با افزایش دسترسی آنان به منابع اقتصادی افزایش نمی‌یابد و تصمیمات بزرگ اقتصادی خانه را معمولاً مردان اتخاذ می‌کنند.

با توجه به اهمیت منابع و تصمیمات اقتصادی در ثبات و تداوم حیات اقتصادی خانواده، پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود. به نظر می‌رسد که تفاوت در میزان دسترسی به منابع مادی زمینه‌های بروز ناپایداری را در خانواده ایرانی فراهم می‌کند و لازم است پژوهشگران اجتماعی ابعاد گوناگون این پدیده را بیشتر بشناسند. ضمناً پیشنهاد می‌شود به حقوق زوجین در این زمینه در مراکز قانونگذاری توجه شود و زوجین در معرض فرآیندهای آگاهی بخشی در این باره قرار گیرند.

## منابع

- استونز، راب. (۱۳۸۱)، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: مهرداد میردامادی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- بوردیو، پییر. (۱۳۸۱)، *نظری هکنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه: مرتضی مردی‌ها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بهرامی تاش، اعظم (۱۳۸۹)، *چالش با اقتصاد نو لیبرالیسم (جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی)*، ترجمه: غلامحسین فتح‌الله نوری، نشر تهران.
- جلایی‌پور، حمیدرضا؛ جمال محمدی. (۱۳۸۸)، *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- حکیم، کاترین. (۱۳۹۱)، *سرمایه جنسی و نقش آن در مناسبات قدرت جامعه*، ترجمه: ژیلا سرابی، آمستردام: کیپلفت، چاپ اول.
- دلاور، علی. (۱۳۸۵)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد، چاپ پنجم.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.



- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴)، زن، قدرت و خانواده؛ پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت خانواده: پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۲.
- ساعی، علی. (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ اول.
- سفیری، خدیجه؛ آراسته، راضیه. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان و روابط دموکراتیک با همسرشان، مجله تحقیقات زنان، شماره اول سال دوم.
- شویره، کریستین؛ فونتن، اولیویه. (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو؛ ترجمه: مرتضی کتبی، نشر نی.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۷۹)، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر تیان، چاپ اول.
- علیرضائزاد، سهیلا؛ سرایی، حسن. (۱۳۸۶)، "زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهاى عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن، نامه علوم اجتماعی، دوره ۳۰.
- علیرضائزاد، سهیلا؛ حایری، شهلا. (۱۳۹۰)، "پول، جنسیت توسعه، مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنبورداران رامه"، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال سوم، شماره ۷.
- فلیک، اوه. (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- کامران، فریدون. (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی روستایی، تهران: انتشارات استادیار.
- کرسول، جان، پلانو، کلارک. (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهشی ترکیبی، ترجمه: دکتر علیرضا کیامنش، جاوید سرایی. تهران.

- گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی بوردیو*، ترجمه: محمدمهدی لیبی، نشر افکار.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی، چاپ ششم.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، تهران: مرکز آمار ایران.
- مهدوی، محمدصادق؛ صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۲)، "بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های تهرانی"، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات زنان*، سال اول، شماره ۲.
- نبوی، سید عبدالحسین. (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، در هشتم، شماره ۲.
- ودهویس، گونتر. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی برای اقتصاد*، تهران: ناشر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها نشر سمت.
- Hakim, Catherin. (2006). "Women, careers, and work life preferences" *British Journal of Guidance & Counselling*, Vol. 34, No. 3, August 2006: Routledge
- O'Neil, Brenda and Gidengil, Elisabeth (2006). *Gender and Social Capital*. New York: Routledge
- Zelizer, Viviana. (2008). The Social Meaning of Money: *The American Journal of Sociology*, Vol. 95, No. 2